



### زن تراز و مأموریت‌گرایی؛ وظایف ما بعد از رهبر شهید

اما حالا که این رهبر تمدن‌ساز دیگر در میان ما نیست، هر کدام از ما چه وظیفه‌ای داریم؟ دکتر طبیبی پاسخ می‌دهد: یکی از اولین پاسخ‌ها، در بازتعریف نسبت زنان با جامعه و تاریخ است؛ زنانی که اگر از نگاه رهبر شهید به آن‌ها بنگرند، باید خود را «زن تراز» بدانند، نه صرفاً بازیگران حاشیه‌ای صحنه سیاست و اجتماع. زن تراز؛ زن مأموریت‌گرا نسبت به خلأهای جامعه است. این تعریف، نقطه‌مقابل وضعیت منفعل و منتظر است؛ وضعیتی که در آن، زن فقط منتظر می‌ماند تا سازمان‌ها و ساختارها برایش نقش بنویسند.

او ادامه می‌دهد: بعد از شهادت رهبر، یکی از اصلی‌ترین خلأهای جامعه، فقدان هم‌گرایی، انسجام، هم‌دلی و هم‌زبانی است. زن مأموریت‌گرا کسی است که این خلأها را تشخیص می‌دهد و به جای انتظار برای یک دستور رسمی، خودش دست‌به‌کار می‌شود؛ گروه و شبکه ایجاد می‌کند، فضا را تغییر می‌دهد، برای انسجام در محیط خانواده، محل کار، دانشگاه و فضای مجازی برنامه می‌چیند و اجازه نمی‌دهد میدان، یک‌سره در اختیار روایت‌های خصمانه بماند.

### زن، روایت و جنگ روایت‌ها

این کارشناس دینی با اشاره به یکی از فرازهای سخن رهبر شهید ادامه می‌دهد: رهبر معظم انقلاب اسلامی توصیه کرده بودند که «در تاریخ معاصر، فعلا راوی باشید،

نه تحلیلگر؛ صدسال دیگر ما را تحلیل خواهند کرد». این جمله یک راهبرد بلندمدت برای مدیریت روایت تاریخ است. اگر امروز روایت صادق از وقایع ثبت نشود، تحلیل‌های فردا بر پایه تصویرهای تحریف‌شده شکل می‌گیرد. زنان در جنگ روایت‌ها نقش مهمی دارند؛ نقشی که می‌تواند از همان خانه و مدرسه و محله شروع شود. هر زنی که این روزها در خیابان، مدرسه، دانشگاه یا حتی در پشت صحنه فعالیت‌های فرهنگی و پشتیبانی حضور داشته، وظیفه دارد این حضور را ثبت کند؛ با نوشتن، ضبط صوت، ثبت تصویر و انتقال تجربه به نسل بعد. اگر ما روایت نکنیم، دیگران روایت خواهند کرد و آن وقت، بچه‌های ما واقعیت را از زبان کسانی خواهند شنید که با آن خصوصیت دارند. به طور نمونه اتفاق تلخ مدرسه میناب باید بزرگ‌جار زده شود تا در حافظه جمعی بماند و تبدیل به نقطه‌ای از هویت دختران نسل‌های بعدی شود؛ نه اینکه در هیاهوی روایت‌های کاذب گم شود.

### زن مأموریت‌گرا؛ امتداد الگوی فاطمی و زینبی

این استاد حوزه و دانشگاه یادآوری می‌کند: در خطبه‌های حضرت زهرا (س)، سوگ او فقط سوگ یک پدر نیست؛ سوگ از دست دادن کسی است که برایش تمدن ساخته، او را از جاهلیت نجات داده و شهرش را از یک تجمع ساده، به یک جامعه متمدن تبدیل کرده است. ما هم فقط داغ یک فرد تاریخی را ندیده‌ایم؛ داغ یک رهبر تمدن‌ساز را دیده‌ایم.

در این نقطه، جایگاه زن مأموریت‌گرا روشن است. زنی که در امتداد خط فاطمی و زینبی می‌ایستد، حق را روایت می‌کند، تحریف را عیان می‌کند، برای آینده‌سند می‌سازد و اجازه نمی‌دهد شهادت یک رهبر، در روایت‌های تقلیل‌گرایانه به یک حادثه گذرا تقلیل پیدا کند. این زن، به تعبیر همان زن تراز مورد نظر رهبر شهید است؛ زنی که عزت را از متن قرآن و سیره اهل بیت (ع) می‌گیرد، آن را در سبک زندگی و انتخاب‌های کوچک و بزرگ خود جاری می‌کند و در میدان روایت و تمدن‌سازی، نقش فعال می‌پذیرد.

دکتر طبیبی در پایان تصریح می‌کند: عزت، در منظومه فکری رهبر شهید، چیزی فراتر از یک احساس فردی یا شعار سیاسی است؛ یک شبکه به هم پیوسته از ایمان، عقلانیت، استقلال، سادگی و مسئولیت‌پذیری که در تمام لایه‌های زندگی او دیده می‌شود؛ از اتاق مطالعه و شب‌های شعر و تولید مفاهیم تازه تا نحوه مواجهه‌اش با قدرت‌های جهانی و جزئی‌ترین انتخاب‌های سبک زندگی. اگر قرار باشد این عزت پس از شهادت او در جامعه زنده بماند، باید در «ما» تجسم پیدا کند؛ به ویژه در زنانی که می‌خواهند زن تراز این عصر باشند. زنانی که مأموریت‌گرا هستند، خلأها را می‌شناسند، روایت صادق را بر عهده می‌گیرند و در امتداد خط فاطمی و زینبی، نقش خود را نه در حاشیه، که در متن تاریخ آینده می‌فهمند. چنین زنانی، می‌توانند در حد خودشان، «حامنه‌ای‌های جدید» باشند؛ حاملان عزت در زمانه‌ای که جنگ بر سر روایت و هویت، از همیشه جدی‌تر است.

اگر قرار باشد این عزت پس از شهادت او در جامعه زنده بماند، باید در «ما» تجسم پیدا کند؛ به ویژه در زنانی که می‌خواهند زن تراز این عصر باشند. زنانی که مأموریت‌گرا هستند، خلأها را می‌شناسند، روایت صادق را بر عهده می‌گیرند و در امتداد خط فاطمی و زینبی، نقش خود را نه در حاشیه، که در متن تاریخ آینده می‌فهمند